



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

زمان چاپ: ۱۴۰۲/۰۶/۲۰

شماره مجوز مجله: ۸۰۴۰۰

بررسی حس آمیزی در دیوان اسیر شهرستانی

جواد کوهی^۱، الهام کوهی^۲

۱- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل

۲- کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زابل

j.koohi@gmail.com

چکیده

حس آمیزی یکی از شگردهای تصویرسازی است که در آن امور مربوط به یکی از حواس با امور و وابسته های حس دیگری می آمیزد. در این پژوهش که با هدف شناخت و تبیین غزلیات شاعر مورد مطالعه صورت پذیرفته، تلاش گردیده تا به شیوه توصیفی - تحلیلی، غزلیات این شاعر را از جهت کاربرد حس آمیزی مورد بررسی قرار گیرد. بدین منظور حس آمیزی در سه شکل بلاغی، دستوری و ترکیب حواس در غزلیات این شاعر بررسی شد. نتیجه این بررسی نشان از آن دارد که حس آمیزی باعث تأثیرگذاری بیشتر و خیال انگیزی اشعار اسیر شهرستانی شده است. و ترکیب دو حس بینایی و بساواپی بالاترین بسامد را دارد.

کلمات کلیدی: حس آمیزی، حواس پنجگانه، مفاهیم انتزاعی



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- مقدمه

حس آمیزی، از جمله اسلوب های بیان هنری و آشنایی زدایی است که در حوزه علم بیان و اسناد مجازی جای می گیرد. در این شیوه شاعر می کوشد با بهره مندی از قوه خیال، که با نوعی عادت شکنی و شکستن مرزهای عادی حواس ظاهری و باطنی همراه است، بر درجه تاثیر کلام خود افزوده، سخن خود را با شدت و قدرت بیشتری به مخاطب القا نماید، به گونه ای که اعجاب و شگفتی مخاطب را با خود به همراه داشته باشد. حس آمیزی از آغاز شعر و شاعری در ادب فارسی کاربرد داشته است و در زبان شاعران به طور ناخودگاه به کار می رفته است، اما در هیچ یک از امهات کتب بلاغی در مورد آن سخنی به میان نیامده بود (شفیعی کدکنی: ۱۳۸۶، ۱۵).

تعریف حس آمیزی

حس آمیزی از آغاز شعر و شاعری، در ادب فارسی کاربرد داشته و در زبان شاعران به طور ناخودآگاه به کار می رفته است، اما در هیچ یک از امهات کتب بلاغی در مورد آن سخنی به میان نیامده است (شفیعی کدکنی: ۱۳۸۶، ۱۵). دکتر شفیع کدکنی به عنوان اولین کسی که در برابر واژه (synaesthesia) فرنگی، کلمه حس آمیزی را پیشنهاد داده و به کار گرفته (همان: ۱۳۹۲، ۲۷۱). در تعریف حس آمیزی می گوید: "منظور از حس آمیزی، بیان و تعبیری است که حاصل آن از آمیخته شدن دو حس به یکدیگر یا جانمایی آن ها خبر می دهد" (همان: ۱۳۷۹، ۴۱). مطابق این تعریف "مثلا اگر کارکرد بینایی را به شنوایی نسبت دهیم، ترفند حس آمیزی را به کار برده ایم" (محبتی: ۱۳۸۹، ۱۷۳).

همچنین در تعریف دیگری که از حس آمیزی شده، "این شیوه بیان را نوعی ابزار مبالغه در توصیف دانسته اند که شاعران بدان وسیله مضمون را تجسم و تجسد می بخشد و به زبان دیگر با حس می آمیزد، محسوس می کند و صفات محسوس را برای امری معقول یا انتزاعی می آورد." (فشارکی: ۱۳۷۹، ۹۹). در ادبیات عرب از حس آمیزی با عنوان "الحس المتزامن" یا "تبادل الحواس" نام برده شده است (وهبه: ۱۹۸۴، ۱۴۸).

در گستره حس آمیزی، شاعران دست بازتری برای هنرنمایی دارند. "آنان گاه به جایی اینکه حواس را در کنار هم به کار ببرند، آن ها را با هم آمیخته، کار حس را به حس دیگر واگذار می کنند." (کریمی: ۱۳۸۷، ۱۳۵). در چنین مواقعی، دیدنی شنیدنی و یا حتی شنیدنی بساواپی می شود. به عنوان نمونه وقتی "سکوت سنگین" را به کار می بریم، دو حس شنوایی و بساواپی را با هم آمیخته ایم و سکوت را به جای آن که با گوش حس کنیم، با دست لمس کرده و آن را سنگین یافته ایم. (میرصادقی: ۱۳۷۴، ۹۳). این ادغام حواس در شعر و ادب فارسی، موجب آفرینش تصویرهای زیبا و بدیع می شود، زیرا نوعی آشنایی زدایی است و موجبات شگفتی و تعجب خواننده و شنونده را فراهم می سازد.

انواع حس آمیزی

درباره انواع حس آمیزی آمده است: "که آمیختگی قلمروهای حسی با یکدیگر منحصر در حواس خمسه ظاهره نیست بلکه حواس باطنی را نیز شامل می شود." (شفیعی کدکنی: ۱۳۸۹، ۱۷). در جایی دیگر درباره انواع حس آمیزی آورده اند: "حس آمیزی آن است که در شعری از دو حس به هم آمیخته استفاده می شود و به دو گونه بروز می کند. یکی اینکه دو حس مختلف با هم مثلا حس شنوایی و بویایی در هم می آمیزد و نوع دیگر حس آمیزی بدین معناست که شاعر برای اینکه مضمون خود را بیشتر به ذهن خواننده نزدیک کند، صفاتی را که برای جسم هست، برای یک امر عقلی یا انتزاعی می آورد." (فشارکی: ۱۳۷۹، ۹۸)، (عقداپی: ۱۳۸۰، ۹۶).

بدین ترتیب می توان انواع حس آمیزی را بر مبنای طرفین آن بر دو گونه متصور شد:



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

۱- حس آمیزی که حاصل ترکیب و آمیختن دو حس مختلف از حواسند و به عبارت دیگر هر دو سوی ترکیب شامل حواس ظاهری باشند (حسی - حسی).

۲- حس آمیزی که حاصل ترکیب و آمیختن یک مفهوم انتزاعی (عقلی) با یک ویژگی از حواس ظاهری باشد (انتزاعی - حسی) (حسی - انتزاعی).

انواع حس آمیزی به لحاظ طرفین: حسی - انتزاعی و حسی - حسی

حس آمیزی از نظر کارکرد بلاغی

شفیعی کدکنی در کتاب "صور خیال در فارسی" ماهیت حس آمیزی را استعاره دانسته است. (شفیعی کدکنی: ۱۳۹۲، ۲۷۴). همچنین در کتاب "موسیقی شعر" این عنصر زبانی را شکل خاصی از استعاره یا مجاز بر شمرده است. (همان: ۱۳۸۹، ۱۵). جرجانی در اسرار البلاغه وقتی بحث قیاس و تشبیه بر مبنای وجه شبه را مطرح می کند؛ "شیرینی میان کلام و عسل را مشترک می داند؛ یعنی لذتی که هنگام شنیدن کلامی دلنشین در درون ایجاد می شود، تشبیه کرده به لذتی که هنگام خوردن عسل احساس می کنیم." (جرجانی: ۱۳۷۴، ۸۸).

درباره کارکرد حس آمیزی به صورت تشبیه آمده است: "که اگر پیوند و شباهت بین دو شی هر دو در شمار محسوسات باشند و هر کدام نیز به حوزه حسی متفاوت از هم مربوط باشند، نوعی تشبیه بر پایه حس آمیزی شکل گرفته است." (پورنامداریان: ۱۳۸۱، ۲۳۷).

به عنوان مثال: در شعر زیرخاقانی از حس آمیزی استفاده کرده است:

چون نای اگر گرفته دهان دارم جهان این دم ز راه چشم همانا بر آورم
(خاقانی: ۱۳۶۸، ۲۴۴)

سوراخ های نی به چشم تشبیه شده است؛ چشمانی که مجرای سخن و آوای نی است (ترکیب دو حس بینایی و شنوایی).

از یاد کرد نام تو کام سخنوران چون نکهت مسیح معطر نکوتر است
(همان: ۷۶)

آوردن نام تو، سخن گفتن از تو، دهان را معطر می کند (سخن خوشبو، ترکیب حس شنوایی و بویایی).

حس آمیزی از نظر دستوری

انواع حس آمیزی از نظر کاربرد دستوری و نحوه ارائه در شعر می تواند به دو شکل ترکیبی و غیر ترکیبی به کار رود. الف) حس آمیزی به شکل ترکیبی:

این گونه از حس آمیزی به دو شکل ترکیب وصفی و اضافی به کار می رود.

- حس آمیزی به شکل ترکیب وصفی:

نمونه ای از این ترکیب در شعر مولوی:

جان کورش گام هر سو می نهد عاقبت نجهد ولی بر می جهد
(مولوی: ۱۳۳۰، دفتر ۴، ۲۲۰)

جان کور، استعاره از جان نادان که از روشنایی علم و معرفت بی بهره است.

حس آمیزی با استفاده از تضاد

گاهی دو سوی ترکیب حس آمیزی در تضاد با یکدیگر قرار می گیرند و دو ترکیب حواس متضاد در یک بیت با همدیگر همراه می شوند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

نمونه هایی از این نوع ترکیب مانند:

به جای خنده می گریم ز شوق گریه می خندم
هنوز از ساده لوحی خویش را رسوا نمی دانم
(شهرستانی: ۱۳۸۴، ۳۷۵)

در این بیت (خنده) حس شنوایی با (گریه) حس بینایی تضاد دارد.

ز شوقت هر کس در انتظاری بیا تا آن بگرید و این بخندد
(همان: ۲۲۵)

حس آمیزی از نظر کاربرد دستوری

حس آمیزی از نظر کاربرد دستوری و نحوه ارائه در شعر می تواند به دو شکل ترکیبی و غیر ترکیبی به کار رود.

حس آمیزی به شکل ترکیبی

این گونه از ترکیب حس آمیزی به دو شکل ترکیب وصفی و ترکیب اضافی به کار می رود.

حس آمیزی به شکل ترکیب وصفی

حس آمیزی گاهی به صورت ترکیب وصفی کاربرد دارد و در این صورت دو کلمه از متعلقات حواس با هم به صورت یک ترکیب وصفی نمودار می شود؛ در دیوان اسیر شهرستانی نیز این گونه ترکیبات دیده می شود، نمونه هایی از آن مانند:

در دل گداختیم تمنای خویش را
شاید که ناله گرم کند جای خویش را
(شهرستانی: ۱۳۸۴، ۱۴)

در این بیت واژه " ناله " مربوط به حس شنوایی با واژه گرم مربوط به حس بساواپی به صورت ترکیب وصفی " ناله گرم " به کار رفته است.

حس آمیزی به شکل ترکیب اضافی

کاربرد حس آمیزی به صورت ترکیب اضافی، دو کلمه از متعلقات حواس با هم به صورت یک ترکیب اضافی که یک سوی آن مضاف و دیگری مضاف الیه است نمودار می شود. به بیان دیگر در این نوع اضافه، مضاف از ویژگی های یک حس و مضاف الیه از ویژگی های حس دیگر است.

نمونه هایی از این نوع ترکیب مانند:

هر کف خاکسترم رنگ بهار دیگر است
بوی گل آتش به دامن می زند خار من
(همان: ۲۲)

در این بیت در ترکیب اضافی " بوی گل " واژه (بوی) مربوط به حس بویایی و واژه (گل) مربوط به حس بینایی می باشد.

بوی گل را در طلسم گلستان پیچیده ایم
راز او را در قفس دارد دل صد چاک ما
(همان: ۴۴)

حس آمیزی به شکل غیر ترکیبی

کاربرد حس آمیزی به صورت غیر ترکیبی در بافت ابیات مکرر به کار رفته است و معمولاً بسامد آن در مقایسه با نوع حس آمیزی به شکل ترکیبی کمتر دیده می شود.

تا محبت نمک قصه ما گشت اسیر
خواب را لذت افسانه شنیدن دادن
(همان: ۲۸۴)



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

در این بیت اسیر شهرستانی ترکیب (لذت افسانه شنیدن) را به صورت غیر ترکیبی به کار برده است.
 چه می داند کسی چون در دل آتشیخانه ها دارم بسوزد گفتگو گر بر زبان آرم ملالی را
 (همان: ۳۴)

فکنده شور شنیدم کسی به قلب ریا اسیر توبه شکن بوداینچنین پیداست
 (همان: ۸۳)

اینقدر هم بس که رنگ سوختن دارد اسیر در نظر خاکستر گلخن ز گلشن بهتر است
 (شهرستانی: ۱۳۸۴، ۸۸)

کسی از باغ ادب غنچه نظاره نچید دیده نشنید اگر رخصت دیدن دادند
 (همان: ۲۴۸)

سخنهای دارم اما بی دماغم دل گفتن غم بشنیدنی کو
 (همان: ۴۰۱)

حس آمیزی از نظر کاربرد ترکیب حواس

متناسب با حواس پنجگانه یعنی بینایی، شنوایی، بویایی، چشایی و بساوایی بیست گونه حس آمیزی در این قسمت مورد بررسی قرار می گیرد: بینایی با شنوایی، بینایی با چشایی، بینایی با بویایی، بینایی با بساوایی، چشایی با بساوایی، چشایی با شنوایی، چشایی با بویایی، شنوایی با بویایی، شنوایی با بساوایی، بویایی با بساوایی که البته هنگام تبدیل یا ترکیب این حواس با یکدیگر از نظر تقدم یا تاخر ویژگی های حواس، حالت عکس این موارد یاده شده قابل تصور است.

بینایی - شنوایی (شنوایی - بینایی)

در این نوع حس آمیزی، ویژگی های منسوب به حس بینایی از قبیل: نور، شعله، نگاه، دیدن، روشنی، بلندی و کوتاهی، رنگ که " رنگ " مهم ترین عنصر ادراکات این حس است " (شفیعی کدکنی: ۱۳۹۲، ۲۷۲).
 با منسوبات حس شنوایی از قبیل: سخن، سرود، آه، نکته، قصه، صحبت با هم ترکیب می شود.
 نمونه هایی از این نوع حس آمیزی مانند:

گرد هر گردش چشم تو دلم می گردد نه پیرسی که چرا خانه برانداز چرا
 (همان: ۱۰)

در این بیت واژه (چشم) مربوط به حس بینایی و واژه (پیرسی) مربوط به حس شنوایی است که با هم حس آمیزی دارند.
 چه در گوش دلم آهسته گفتمی چون مرا دیدی که بلبل ساختی دیوانه صاحب کمالی را
 (همان: ۳۴)

واژه (گوش) مربوط به حس شنوایی و واژه (دیدی) مربوط به حس بینایی می باشد.
 صبر هم اضطراب پرواز است گریه با کوه و کاه در سخن است
 (همان: ۱۱۵)

واژه (گریه) مربوط به حس بینایی با واژه (سخن) که مربوط به حس شنوایی است با هم حس آمیزی دارند.
 ای که می پرسی چرا سیلاب خون شد گریه ات تیر او بر دل نمی دانی چها آورده است
 (همان: ۱۳۰)

در این بیت واژه (می پرسی) مربوط به حس شنوایی و واژه (گریه) مربوط به حس بینایی با هم حس آمیزی دارند.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

حیا عیب و ادب ننگ و خموشی کفر می بوده است
همه تن دیده گشتم سرمه گفتار گردیدم
(همان: ۳۶۴)

در این بیت واژه های (دیده و سرمه) مربوط به حس بینایی و واژه (گفتار) مربوط به حس شنوایی است.
دلت خندان تر از گل چشم گریانم چه می پرسی
گرفتارم چه می گویی پریشانم چه می پرسی
(شهرستانی: ۱۳۸۴، ۵۰۱)

در این بیت واژه های (خندان، می پرسی و می گویی) مربوط به حس شنوایی می باشد و واژه های (چشم و گریان) که مربوط به حس بینایی با هم حس آمیزی دارند.

روش انجام تحقیق

روش گرد آوری در این پژوهش مبتنی بر روش کتابخانه ای و اسنادی می باشد که به صورت فیش برداری از منابع مورد نظر انجام شده است. روش کار در این پایان نامه به این صورت بود که ابتدا تعاریفی که در کتاب های مختلف بلاغی از حس آمیزی شده بود، فراهم گردید. سپس بر اساس تعاریف ذکر شده، به استخراج موارد در دیوان اسیر شهرستانی پرداخته شد، پس از مطالعه دقیق و استخراج حس آمیزی های به کار رفته، در دیوان اسیرشهرستانی به بررسی و تحلیل شیوه های کارکرد و کاربرد حس آمیزی در دیوان این شاعر پرداخته شده است. در پایان این اطلاعات به دست آمده، طبقه بندی و نتیجه گیری نهایی صورت گرفته است. شایان ذکر است نشانی ابیات به ترتیب شماره جلد، شماره بیت و شماره صفحه آورده شده است.

نتیجه گیری

حس آمیزی در دیوان اسیر شهرستانی در سه شکل: بلاغی، دستوری و ترکیب حواس (حسی - حسی) و همچنین ترکیب حواس با مفاهیم انتزاعی (انتزاعی - حسی یا حسی - انتزاعی) به کار رفته است. با بررسی نمونه های حس آمیزی در دیوان اسیر شهرستانی مشخص گردید که از نظر کارکرد بلاغی دو سوی ترکیب حس آمیزی می تواند به صورت تشبیه، استعاره، ایهام، مجاز، کنایه و تضاد به کار رود. بیشترین کارکرد بلاغی حس آمیزی در دیوان اسیرشهرستانی در تصاویر استعاره آمده است با هفتاد و نه مورد و کمترین کارکرد بلاغی حس آمیزی در تصاویر همراه با ایهام با بیست و پنج مورد به کار رفته است. از نظر کاربرد دستوری، حس آمیزی به شکل ترکیب وصفی و ترکیب اضافی و غیر ترکیبی به کار رفته است و حس آمیزی به شکل ترکیب وصفی با پنجاه و نه مورد نمود بیشتری دارد. متناسب با حواس پنجگانه یعنی بینایی، شنوایی، بساواپی، چشایی و بویایی بیست گونه حس آمیزی مورد بررسی قرار گرفت: چشایی با شنوایی، بویایی با شنوایی، بینایی با شنوایی، بساواپی با شنوایی، بینایی با بویایی، بساواپی با بویایی، چشایی با بویایی، چشایی با بینایی، بساواپی با بینایی و بساواپی با چشایی که البته عکس این موارد نیز با هم ادغام شده است. از نظر بسامد بیشترین حس آمیزی به کار رفته مربوط به جایگزینی ویژگی های دو حس (بساواپی با بینایی) با دوپست و چهل و یک مورد و کمترین بسامد مربوط به دو حس (چشایی با بویایی) با چهار مورد می باشد.

ترکیب حواس با مفاهیم انتزاعی نیز براساس حواس پنجگانه در پنج گونه مورد بررسی قرار گرفت: انتزاعی با شنوایی، انتزاعی با بساواپی، انتزاعی با چشایی، انتزاعی با بویایی و انتزاعی با بینایی که حالت عکس این ترکیبات نیز با هم ادغام شده است. از نظر بسامد بیشترین کاربرد مربوط به دو حس (انتزاعی با بینایی) با سیصد و چهار مورد و کمترین بسامد مربوط به دو حس (انتزاعی - بویایی) با هفده مورد می باشد.



ماهنامه علمی تخصصی پایا شهر

ISSN ۲۹۸۰-۷۷۸۶

منابع

- آزاد بلگرامی، (۱۳۹۲)، سرو آزاد، چ ۱، شرکت سهامی انتشار.
- آشوری، داریوش، (۱۳۷۲)، شعر و اندیشه، چ ۱، تهران:مرکز.
- اسفندیارپور، هوشمند، (۱۳۸۳)، عروسان سخن، ج ۱، تهران:فردوس.
- اخوان ثالث، مهدی، (۱۳۷۹)، زندگی می گوید اما باز باید زیست، چاپ نهم، زمستان .
- _____، (۱۳۶۸)، در حیات کوچک پاییز در زندان، انتشارات بزرگمهر .
- الهامی، شراره، (۱۳۸۷)، "بررسی حس آمیزی در غزلیات بیدل دهلوی"، فصلنامه ادبیات عرفانی و اسطوره شناسی، س ۴، ش ۱۲، صص ۳۱-۴۸.
- بیدل دهلوی، (۱۳۸۴)، دیوان، به تصحیح خلیل الله خلیلی، ج ۱، تهران: سیمای دانش .
- بهمنی، محمد علی، (۱۳۸۵)، گاهی دلم برای خودم تنگ می شود، نشر دارینوش .
- پورنامداریان، تقی، (۱۳۸۱)، سفر در مه، چ ۱، تهران: نگاه.
- جرجانی، عبدالقاهر، (۱۳۷۴)، اسرارالبلاغه، ترجمه جلیل تجلیل، چ ۴، تهران:دانشگاه تهران.
- جلیلی، محمود، (۱۳۸۱)، آرایه ها و دانستنی های سخن فارسی، ج ۱، مشهد:دانشوران توس.
- حافظ شیرازی، شمس الدین، (۱۳۸۷)، شرح الفاظ، اعلام، مفاهیم کلیدی و ابیات دشوار حافظ، نوشته بهاء الدین خرمشاهی، تهران:شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- حسن لی، کاووس، (۱۳۸۳)، گونه های نو آوری در شعر معاصر ایران، چ ۱، تهران:ثالث.
- خاقانی شروانی، افضل الدین علی، (۱۳۶۸)، دیوان، به کوشش ضیاء الدین سجادی، چاپ سوم، تهران:زوار.
- داد، سیما، (۱۳۷۸)، "فرهنگ اصطلاحات ادبی" چ ۳، تهران:مرورید.